

A Qur'an-Based Analysis of the Obstacles of Social-Political Education, in Terms of Behavioral Deviations and Their Solutions

Mostafa Dehghani Firouzabadi¹
Reza Ranjbar²

ABSTRACT

One of the vital Islamic religion issues is the social-political education, which is of particular importance. But there have always been obstacles and damages on its way, and these obstacles can be considered from different dimensions of religious, economic, moral, behavioral deviations, etc. One of the most important deviations, which is an obstacle to social-political education, is its behavioral type. The main goal of this research has been to investigate the obstacles of behavioral deviations in social-political education and to find ways to solve them from the perspective of the Holy Quran and hadiths. Accordingly, the most fundamental question of this research is that "What are the obstacles of behavioral deviations in political-social education?" and "What solutions are there in terms of the Holy Quran and hadiths to solve them?" Data collection in this research was carried out by library method and its processing was done with a descriptive-analytical method. The findings of this research showed that following the whim of the self, cruelty and obedience to the corrupt and blind imitation are the most important behavioral deviations on the way of social-political education. In the Holy Qur'an and hadiths, ways such as creating insight and honesty in action, creating love by generosity and forgiveness, maintaining power based on zeal and courage, and serving the people by avoiding the spirit of ambition are presented for government officials.

KEYWORDS: Behavioral Deviations, Political Education, Social Education, Solutions, Quran and Hadith, Obstacles.

1- Assistant Professor, Department of Quranic and Hadith Sciences, University of Holy Quran Sciences and Education, Maybod, Iran (corresponding author),
dr.firouzabadi60@gmail.com

2- MA, Quranic Sciences, Faculty of Quranic Sciences, Qom, Iran,
reza.ranjbar137676@gmail.com





نوع مقاله: پژوهشی

تحلیل قرآن بنیان موانع تربیت سیاسی _ اجتماعی از بُعد انحراف‌های رفتاری و راه‌حل‌های آن

مصطفی دهقانی فیروزآبادی^۱، رضا رنجبر^۲

چکیده

مسئله تربیت سیاسی _ اجتماعی، از جمله مسائل حیاتی مورد توجه دین اسلام بوده که از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ اما همواره موانع و آسیب‌هایی بر سر راه آن بوده‌اند که این موانع را می‌توان از ابعاد مختلف انحرافات اعتقادی، اقتصادی، اخلاقی، رفتاری و... مورد بررسی قرارداد. یکی از مهم‌ترین این انحرافات که به‌عنوان مانع در مقابل تربیت سیاسی _ اجتماعی قرار گرفته، نوع رفتاری آن است. هدف اصلی این پژوهش، بررسی موانع انحراف‌های رفتاری در تربیت سیاسی _ اجتماعی و یافتن راه‌های حل آن از منظر قرآن کریم و روایات بوده است که بر همین اساس بنیادی‌ترین پرسش این پژوهش از این قرار است که «موانع انحراف‌های رفتاری در تربیت سیاسی _ اجتماعی کدام‌اند؟ و چه راهکارهایی از منظر قرآن کریم و روایات برای حل آن‌ها وجود دارد؟» گردآوری اطلاعات در این نوشتار به شیوه‌ی کتابخانه‌ای بوده و پردازش آن‌ها با روش توصیفی - تحلیلی انجام پذیرفته است. یافته‌های این پژوهش نشان داد که هوابرستی، قساوت و تبعیت از فاسدان و تقلید کورکورانه مهم‌ترین انحراف‌های رفتاری بر سر راه تربیت سیاسی _ اجتماعی است. در قرآن کریم و روایات راه‌هایی مانند بصیرت آفرینی و صداقت رفتاری، ایجاد الفت با سخاوت و بخشندگی، حفظ قدرت مبنی بر غیرت و شجاعت و خدمت‌رسانی به مردم با اجتناب از روحیه جاه‌طلبی برای کارگزاران حکومتی ارائه شده است.

واژه‌های کلیدی: انحرافات رفتاری، تربیت سیاسی، تربیت اجتماعی، راهکارها، قرآن و روایات، موانع.

۱- استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، میبد، ایران (نویسنده مسئول)،

dr.frouzabadi60@gmail.com

۲- کارشناسی ارشد، علوم قرآنی، دانشکده علوم قرآنی قم، قم، ایران، reza.ranjbar137676@gmail.com



۱. مقدمه

در عصر کنونی، تربیت سیاسی - اجتماعی را می‌توان بخشی از فرآیند توسعه سیاسی جامعه به شمار آورد که نقش به‌سزایی در راستای برقراری حاکمیت و وحدت ملی ایفا می‌کند که نظام‌های سیاسی می‌توانند از طریق آن، آرمان‌ها و ارزش‌های مختص خود را در افراد جامعه نهادینه و تثبیت کنند. این نوع تربیت یکی از مهم‌ترین انواع تربیت است که با ترویج آن، جامعه را به سمت اهداف آن پیش می‌برد. در دین اسلام نیز با توجه به نگاه متعالی که به انسان دارد عنایت ویژه‌ای نیز به مسئله تربیت سیاسی - اجتماعی شده است و در این زمینه از هیچ امری فروگذار ننموده است. این دین به‌منزله برنامه زندگی انسان، دارای نظام سیاسی مستقل بر اساس آموزه‌های قرآنی - روایی است که نقش اراده مردم در تعیین سرنوشت جامعه در آن کاملاً بازتاب یافته است. اسلام در تربیت اجتماعی خود هدف را تربیت فرد در اجتماع می‌داند که او بتواند نقش خود را به‌عنوان یک عضو سیاسی جامعه شناسایی و به آن عمل کند.

در خصوص تربیت سیاسی - اجتماعی کتاب‌ها و مقالات متعددی نگاشته شده است که از میان آن‌ها می‌توان به مقاله «بررسی موانع تربیت سیاسی از بعد انحراف‌های اعتقادی و راه‌حل‌های آن در قرآن و حدیث» (۱۳۹۸) نوشته دهقانی و رضایی اصفهانی اشاره کرد که این اثر صرفاً به موانع تربیت سیاسی پرداخته است و بعد اجتماعی در مقاله کمرنگ است و همچنین انحرافات عقیدتی اصل کار پژوهشی در مقاله قرار دارد در صورتی که پژوهش حاضر به انحرافات رفتاری پرداخته است. کتاب «تربیت سیاسی - اجتماعی و حیانی» نوشته ن‌الهی زاده (۱۳۹۵)، این کتاب نیز به‌صورت کلی تربیت سیاسی و اجتماعی را مدنظر قرار داده است، در صورتی که پژوهش حاضر با طرح موانع انحرافات رفتاری و ارائه راهکارهایی برای آن با این منبع متفاوت است. کتاب «تربیت سیاسی» نوشته محمدحسن فاطمی راد و دیگران (تیر ۱۳۹۵)؛ که این کتاب اولاً از زاویه قرآن به بحث نپرداخته و ثانیاً بعد اجتماعی و رفتاری در آن بیان نشده است.

مقاله «الگوی تربیت سیاسی از دیدگاه شهید مطهری (ره)»، افتخاری و مهجور (۱۳۹۵)، این مقاله نیز بعد اجتماعی و رفتاری به‌صورت خاص ذکر نشده است. مقاله «تربیت سیاسی از دیدگاه اسلام» دانشگر و همکاران (۱۳۹۳) نیز به نحو کلی مباحث تربیت سیاسی را در قرآن مورد بررسی قرار داده است. مقاله «تربیت سیاسی در پرتو انتظار» سید مهدی موسوی (۱۳۸۷) که بعد اجتماعی و رفتاری این مقاله متناسب با آیات قرآن در آن ذکر نشده است؛ اما در هیچ‌کدام از این آثار موانع

وصول انسان به کمال دنیوی و سعادت جاویدان الهی (رهنمایی، ۱۳۸۸، ۱: ۳۸۴).
 واژه سیاست در اصل واژه‌های عربی است از ریشه «سَاسَ - یَسُوسُ» که در پاره‌ای
 از اوقات به معنای «خلق و خو» به کار می‌رود (ابن منظور، ۱۴۱۴ ق، ۶: ۱۰۹) و
 گاهی سیاست به معنای کار کسی است که مهتری و تیماری چهارپایان را انجام
 می‌دهد و حاکم و سیاستمدار به کسی گفته می‌شود که به اصلاح مردم و
 کارهای آنان می‌پردازد (فراهیدی، ۱۴۱۰ ق، ۷: ۳۳۵)؛ اما در اکثر امور، معنای
 غالب آن «ریاست و تدبیر امور» است (زمخشری، ۱۹۷۹ م: ۳۱۳). این واژه در
 کتب لغت فارسی نیز به معنای «پاس داشتن مُلک، حکم راندن بر رعیت،
 حکومت، ریاست و داوری نمودن» به کار رفته است (دهخدا، ۱۳۷۲، ۹: ۱۳۸۶۵).
 در اصطلاح سیاست به معنای درست خود، همان تربیت کردن است و تربیت
 یعنی پروراندن فضایی که طبیعت در آدمی به ودیعه نهاده است (عنایت، ۱۳۹۰: ۴)؛
 بنابراین تربیت با هر عنوان و هر شرایطی نمی‌تواند از سیاست جدا باشد و منظور
 از سیاست مشی و روشی است که در آن روابط متقابل مردم با هیئت زمامدار،
 وضع و تشریح قوانین و کیفیت تحزب برای پیشبرد اهداف مورد بحث است و آدمی
 نمی‌تواند دور از اجتماع و برکنار از تأثیرات سیاسی به ادامه زندگی خود بپردازد؛
 پس در این صورت باید از جوانب آن آگاه گردد (قائم‌امیری، ۱۳۹۰: ۲۴-۲۵). بر
 این اساس می‌توان تعریف دقیق تربیت سیاسی را ارائه نمود که آن عبارت است از
 پرورش فضایل، دانش و مهارت‌های مورد نیاز برای مشارکت سیاسی و آماده کردن
 اشخاص برای مشارکت آگاهانه در بازسازی آگاهانه جامعه خود است (الیاس،
 ۱۳۸۵: ۱۸) این تعریف به خوبی نشان می‌دهد که جامعه‌پذیری سیاسی و تربیت
 سیاسی رابطه‌ای بسیار تنگاتنگ با یکدیگر دارند و این همان مطلبی است که
 جان الیاس (الیاس، ۱۳۸۵: ۱۸) مورد تأکید قرار می‌دهد.

تربیت اجتماعی: انسان موجودی اجتماعی است و بر اساس آیات قرآن، اجتماعی
 بودن انسان از بدو خلقت پی‌ریزی شده است چنان‌که در سوره حجرات آمده
 است: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ
 عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ» (حجرات: ۱۳)؛ ای مردم! ما شما را از یک مرد و زن
 آفریدیم و ملت‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید. بی‌تردید گرمی‌ترین
 شما نزد خدا پرهیزکارترین شماست. یقیناً خدا دانا و آگاه است.

آیه مذکور بیانگر این است که هیئت اجتماع قائم به افراد اجتماع است و قوام
 قوانین جاری بر این است که افراد آن را بپذیرند و به آن رضایت دهند و آن

قوانین بتواند پاسخگوی جامعه باشد (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۲۲) چرا که گسترده‌ترین ارتباط انسان، ارتباط و تعامل با اعضای جامعه خویش است (نصیری، ۱۳۸۶: ۵۴). از این رو اخلاق اجتماعی از مهم‌ترین موضوعاتی است که ارتباط آدمیان را با خود، با جامعه و تاریخ مطرح می‌سازد؛ زیرا جامعه می‌تواند یک تمدن را بسازد نه یک فرد و اجتماع انسانی پیوسته تاریخ را ساخته و به جلو برده است (مصدقیان، ۱۳۸۷: ۶) این که در تعامل با دیگران باید چه چیزی را انجام داد و چه چیزی را نباید انجام داد، موضوع اخلاق اجتماعی است (رضایی و رضازاده، ۱۳۹۸: ۱۶۹). در نتیجه می‌توان مقصود از تربیت اجتماعی را جنبه‌هایی از شخصیت آدمی دانست که مربوط به زندگی او در میان جامعه است تا از این طریق به بهترین شکل حقوق، وظایف و مسئولیت هم نوعان و هم‌مسلك‌های خود را بشناسد و آگاهانه برای عمل به آن وظایف و مسئولیت‌ها قیام کند.

انحراف‌های رفتاری: رفتارهای انحرافی به رفتارهایی اطلاق شود که مورد تأیید جامعه نیست. رفتارهای انحرافی در زمره اختلالات معطوف به اجتماع قرار دارد، بدین معنا که این نوع اختلالات تا حدی اختیاری هستند که از این نظر با اختلالات اضطرابی و روانی متفاوت‌اند. به عبارت دیگر، باینکه اختلالات اضطراب و افسردگی مشکلاتی هستند که افراد به آن‌ها دچار می‌شوند، اختلالات معطوف به اجتماع و سوء مصرف مواد، مواردی هستند که افراد مرتکب آن‌ها می‌شوند (علی‌وردی‌نیا و یونسی بروجنی، ۱۳۹۲: ۹۷). محققان امروزه عامل خاصی را علت رفتار انحرافی نمی‌دانند بلکه عوامل متعددی را در این زمینه دخیل می‌دانند. در تحقیقات پیشین تلاش‌هایی برای ترکیب و ادغام نظریه‌های مختلف انحرافات اجتماعی به منظور تبیین سطوح مختلف رفتار انحرافی گروه‌های هدف (نظیر نوجوانان، دانشجویان و...) صورت گرفته است (وینفری، ۱۳۸۸: ۵۴) در حقیقت چون انسان دارای دو حیثیت طبیعی و فطری است که یکی طبیعی وحشی و دیگری فطرتی متمدن است و هر دو در جهاد با یکدیگر هستند، باید در جامعه به سر برد و بر اساس اقتضای طبیعتش، اجتماعی تربیت شود (سلطانی رنایی، ۱۳۹۲: ۲۴۴).

۳. آسیب‌های تربیت سیاسی اجتماعی از منظر آیات و روایات

حال آنکه انحراف رفتاری در تربیت سیاسی _ اجتماعی با محورهای همچون هواپرستی، قساوت، تبعیت از مفسدان و تقلید کورکورانه نمود پیدا می‌کند که در این قسمت از مقاله حاضر در ابتدا آسیب‌های مذکور را از منظر آیات و

روایات فریقین بررسی و به ارائه راهکار می‌پردازیم:

الف) هواپرستی

خواهش‌های نفسانی از جمله عواملی است که زمینه آسیب‌های تربیتی را مهیا ساخته که اگر انسان اعمال و کردار خود را با تقوای الهی هماهنگ نکند، در ورطه بی‌دینی و بی‌مبالاتی افتاده و عامل هلاکت خود را فراهم می‌کند؛ بنابراین اگر هواپرستی و بی‌مبالاتی سیاسی گریبان‌گیر جامعه‌ای شود، اگر در سطح صدارت‌ها باشد، موجب ترویج فساد و بی‌مسئولیتی حکومتی خواهد شد که بیش‌ترین ضرر آن متوجه افراد جامعه خواهد بود و اگر هم در سطح بخشی از افراد مغرض جامعه باشد که موجب نزاع داخلی بین مردم و حکومت خواهد شد و به تضعیف بنیان‌های نظام سیاسی آن جامعه می‌انجامد. در همین زمینه به یک آیه از قرآن کریم استناد کرده و با کمک تفاسیر و روایات به شرح و بررسی آن خواهیم پرداخت:

«أَفَرَأَيْتَ مَنْ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ وَأَضَلَّهُ اللَّهُ عَلَى عِلْمٍ وَخَتَمَ عَلَى سَمْعِهِ وَقَلْبِهِ وَجَعَلَ عَلَى بَصَرِهِ غِشَاوَةً فَمَنْ يَهْدِيهِ مَنْ يَهْدِيهِ اللَّهُ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ» (جاثیه: ۲۳)؛ آیا دیدی کسی را که معبود خود را هوای نفس خویش قرار داده و خداوند او را با آگاهی (بر اینکه شایسته هدایت نیست) گمراه ساخته و بر گوش و قلبش مهر زده و بر چشمش پرده‌ای افکنده است؟! باین حال چه کسی می‌تواند غیر از خدا او را هدایت کند؟! آیا متذکر نمی‌شوید؟

مرحوم طبرسی در شرح و تبیین «أَفَرَأَيْتَ مَنْ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ» ابتدا روایاتی را از ابن عباس و قتاده و حسن نقل می‌کند:

«ای محمد! آیا دیده‌ای کسی که دین خود را خواسته‌اش قرار دهد و چیزی را نخواهد مگر آنکه انجام دهد، زیرا ایمان به خدا ندارد و از او نمی‌ترسد و لذا پیرو هوای نفس خود بوده و تقوایی نیست که مانع او شود» (طبرسی، ۱۳۷۲، ۹: ۱۱۷). «از عکرمه و سعید بن جبیر روایت شده است که معنای این آیه این است که آیا دیده‌ای کسی را که معبود خودش را به دلخواه خود تعیین کند؟! و معبود خود را از روی دلیل و برهان نگیرد، هرگاه چیزی را شایسته پرستش دید و آن را دوست داشت به پرستش آن می‌پردازد و بعضی از آنان سنگی را می‌پرستند و هرگاه سنگ بهتری را می‌دید آن را به دور افکنده سنگ تازه را می‌پرستند» (طبرسی، ۱۳۷۲، ۹: ۱۱۷).

«از علی بن عیسی نقل شده است یعنی آیا دیده‌ای کسی که تسلیم هوای نفس

خود باشد آن گونه که تسلیم خدا و معبود خود است و آنچه را که هوای نفس از او بخواهد انجام می‌دهد و منظور آن نیست که هوای نفس، خود را پرستد و معتقد باشد که هوای نفس شایسته پرستش است، زیرا کسی چنین اعتقادی نخواهد داشت» (طبرسی، ۱۳۷۲، ۹: ۱۱۷)

پس از طرح این روایات مرحوم طبرسی بیان می‌دارند بعد از اینکه خداوند پیامبر خود را از ایمان آوردن این افراد ناامید می‌سازد می‌فرماید: «وَأَضَلَّهُ اللَّهُ عَلَىٰ عِلْمٍ»؛ یعنی خداوند او را خوار نموده و به راهی که خود برگزیده است رهایش ساخته و به سزای کفر و سرکشی و تدبّر نکردن از روی علم و آگاهی بر استحقاق این گمراهی او را به راه راست هدایت نرموده است. ایشان سپس بیان می‌دارند که برخی نیز گفته‌اند «اضله» یعنی اینکه خداوند او را گمراه ساخته است و او را طبق علمی که نسبت به او دانسته است گمراه یافته و معلومش بر طبق علمش ظاهر گشته است (طبرسی، ۱۳۷۲، ۹: ۱۱۷). مرحوم طبرسی در ادامه مقصود از «فَمَنْ يَهْدِيهِ مِنْ بَعْدِ اللَّهِ» این می‌داند که هرگاه کسی به وسیله هدایت الهی پس از ظهور و روشنی آن راه نیافت و هدایت نشد دیگر امیدی به هدایت یافتنش نیست و عبارت «أَفَلَا تَذَكَّرُونَ» یک توبیخ است و نشانه این است که آنان در پند گرفتن کوتاهی می‌نمودند (طبرسی، ۱۳۷۲، ۹: ۱۱۷).

در روایات اهل سنت نیز یکی از علت‌های هواپرستی که موجب زیاده‌خواهی در همه کارها می‌شود، عدم خوف خداوند متعال بیان شده است: ابن عباس در مورد آیه شریفه «أَفَرَأَيْتَ مَنِ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ» گوید که منظور این آیه شخص کافر است که باورهایش بدون هدایت الهی و برهان قطعی است (طبری، ۱۴۱۲، ق، ۲۵: ۹۱) و قتاده نیز منظور از آن را کسی می‌داند که هیچ چیزی نیست که به آن میل پیدا نکند و به سراغش نرود و از خدا نیز نمی‌ترسد (طبری، ۱۴۱۲، ق، ۲۵: ۹۱).

بنابراین، انسان هواپرست با دور کردن خود از خداوند متعال و با در نظر نگرفتن خداوند منان در کارها، پیوسته از ساحت هدایت الهی دور شده و به مرز کفر نزدیک می‌شود. امام علی (ع) در روایتی درمان آن را استفاده صحیح از عقل و منطق و انصاف برمی‌شمارند و می‌فرمایند: «الْعَقْلُ غِطَاءٌ سَتِيرٌ وَالْفَضْلُ جَمَالٌ ظَاهِرٌ فَاسْتُرْ خَلَلَ خُلُقِكَ بِفَضْلِكَ وَقَاتِلْ هَوَاكَ بِعَقْلِكَ تَسَلَّمَ لَكَ الْمَوَدَّةُ وَتَطَهَّرَ لَكَ الْمُحِبَّةُ» (کلینی، ۱۳۶۵، ۱: ۲۰)؛ یعنی عقل حجاب محکمی است و فضل، زیبایی آشکاری است؛ پس کاستی‌های اخلاقی‌ات را با فضل خودت پوشان و هوای

نفست را به وسیله‌ی عقلت بکش. در این صورت رفاقت و محبت دیگران را برای خود جلب می‌نمایی.

با توجه به آنچه بیان شد پیروی از هوای نفس از آسیب‌های تربیتی به شمار می‌آید که موجب می‌شود انسان، حرف حق و فعل حق را انجام ندهد و همین امر باعث تاریکی قلب و اعتقاد شده و باعث تخریب اخلاق در ابعاد مختلف به‌ویژه، بعد سیاسی خواهد شد؛ به‌گونه‌ای که باوجود قدرت بر انجام کارهای درست و حق، نظاره‌گر خسارت و ضربه خوردن - مثلاً - در روابط سیاسی یا نظام حکومتی می‌شود.

ب) قساوت قلب

قساوت قلب از جمله آسیب‌های تربیتی است که چه در بعد فردی، چه در بعد اجتماعی، چه در بعد تربیتی و چه در بعد سیاسی تأثیرگذاری نامحسوس دارد. درواقع، قساوت در نتیجه غافل بودن از یاد خداوند متعال حاصل شده و به همین خاطر، ریشه‌های آن در همه بخش‌های زندگی انسان پخش می‌شود. یکی از نتایج مخرب قساوت در بخش سیاست عبارت است از بی‌توجهی نسبت به محرومان و مستضعفان و نداشتن روحیه نوع‌دوستی نسبت به این قشر از افراد چه در سطح داخلی و چه در سطح بین‌المللی که درواقع، همان رویه نظام‌های سیاسی غربی است. البته، راه علاج آن تواضع در مقابل فرمان‌ها و دستورات الهی و نیز، زنده نگه‌داشتن یاد خدا در دل‌هاست. خداوند متعال در قرآن کریم در این باره می‌فرماید:

«أَفَمَنْ شَرَحَ اللَّهُ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ فَهُوَ عَلَى نُورٍ مِنْ رَبِّهِ فَوَيْلٌ لِلْقَاسِيَةِ قُلُوبُهُمْ مِنْ ذِكْرِ اللَّهِ أُولَئِكَ فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ» (زمر: ۲۲)؛ آیا کسی که خدا سینه‌اش را برای اسلام گشاده است و بر فراز مرکبی از نور الهی قرار گرفته (همچون کوردلان گمراه است؟!‌) وای بر آنان که قلب‌هایی سخت در برابر ذکر خدا دارند! آن‌ها در گمراهی آشکاری هستند.

مرحوم طبرسی علت قساوت را الفت گرفتن دل با راه و گفتار کفار معرفی می‌کند و در ذیل این آیه بیان می‌دارد که این الفت گرفتن قلوب با کفر به همراه تعصب باعث سخت شدن دل‌ها می‌گردد که در نتیجه این افراد از موعظه، ترهیب، ترغیب اثر نمی‌پذیرند و حتی هنگام ذکر خدا و قرائت قرآن باز رقت قلب نمی‌یابند (طبرسی، ۱۳۷۲، ۸: ۷۲۲) اما در منابع اهل سنت نیز غفلت از یاد الهی عامل قساوت قلب معرفی شده است طبری بیان می‌دارد این افراد قلب‌هایشان متزلزل است؛ یعنی از یاد خدا روی گردان است و این‌گونه افراد نه‌تنها به آن ایمان نمی‌آورند

بلکه مطالب آن را نیز تصدیق نمی کنند (طبری، ۱۴۱۲ ق، ۲۳: ۱۴۳).

بر اساس آنچه گفته شد معلوم می شود که قساوت قلب از چنان مضراتی برخوردار است که در وصف آن عبارت «فویل للذین جفت قلوبهم» آمده است و علت آن هم اعراض از یاد خداوند متعال و عدم ایمان به آیات الهی شمرده شده است؛ بنابراین، درمان این آسیب سیاسی، شنیدن و تلاوت قرآن است که همان یاد الهی و تواضع در برابر ذات والای او است؛ اما پیامبر گرامی اسلام نیز در روایتی یکی از راهکارهای درمانی این پدیده مذموم را دست کشیدن بر سر یتیم معرفی می کند و در این باره می فرماید: «مَنْ أَنْكَرَ مِنْكُمْ قَسَاوَةَ قَلْبِهِ فَلْيَدْنُ يَتِيمًا فَيَلَاطِفُهُ وَلْيَمْسَحْ رَأْسَهُ يَلِينُ قَلْبُهُ بِإِذْنِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَإِنَّ لِيَتِيمٍ حَقًّا» (شیخ صدوق، ۱۴۱۳ ق، ۱: ۱۸۸) کسی که می خواهد قساوت قلبش را از بین ببرد باید به یتیمی نزدیک شود و با او مبالغت کند و دست بر سر یتیم بکشد، در این صورت به خواست خداوند متعال قلبش نرم می گردد؛ زیرا یتیم دارای حق است (بر مؤمنین حق دارد). در روایتی در کتاب «تحف العقول» نیز غفلت از عوامل قساوت قلب معرفی شده و بر پرهیز از غفلت تأکید می شود در این روایت می خوانیم: «وَأَيَاكَ وَالْغَفْلَةَ فَمِمَّا تَكُونُ قَسَاوَةَ الْقَلْبِ» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ ق: ۲۸۵) پرهیز از غفلت؛ زیرا غفلت موجب قساوت قلب می شود. از این دو روایت نکاتی قابل استنباط است: یکی اینکه عبارت «إِيَاكَ وَالْغَفْلَةَ» از جمله عباراتی است که صریح در نهی است و این بیانگر شدت خطری است که از قساوت قلب نصیب فرد و اجتماع می شود و دیگر اینکه مهم ترین راه درمان این آسیب تربیت سیاسی، دست کشیدن بر سر یتیمان است.

ج) تبعیت از فساد کنندگان

اهل فساد که از عاملان ایجاد اختلال در ابعاد مختلف جامعه اند، باید تعامل با این گروه به گونه ای باشد که نتوانند به راحتی در بدنه سیاسی جامعه نفوذ کرده و آن را از راه اصلی به انحراف بکشانند؛ به همین دلیل، در قرآن کریم به پیروی نکردن از این افراد توصیه شده است: «أَصْلِحْ وَلَا تَتَّبِعْ سَبِيلَ الْمُفْسِدِينَ» (اعراف: ۱۴۲) و راه فساد گران را پیروی مکن. علامه طباطبایی در تبیین این آیه شریفه راه علاج را در پیروی نکردن از اهل فساد در اداره جامعه دانسته است و بیان می دارد مقصود حضرت موسی (ع) از این کلام نهی هارون از کفر و معصیت نبوده، بلکه مقصودش این بوده که در اداره امور مردم به آرای مفسدین گوش ندهد و مادامی که موسی غائب است از آنان پیروی ننماید و کلمه «اصلاح» بر این دلالت

می‌کند که مراد از جمله «لَا تَتَّبِعْ سَبِيلَ الْمُفْسِدِينَ» همان اصلاح امور ایشان و بر حذر بودن از این است که در میان ایشان روشی را پیش گیرد که مطابق سلیقه مفسدین و مورد پیشنهاد آنان باشد (طباطبایی، ۱۳۹۰، ق، ۸: ۲۳۶) پس درمی‌یابیم دخالت مفسدین در امور جامعه و پیروی کردن از آن‌ها در برخی از مسائل جامعه از جمله مسائل سیاسی، باعث از بین رفتن اخلاق سیاسی و کاهش کارکردهای حکومت در پیشبرد اهداف داخلی و خارجی خود خواهد شد. بنابراین، الگوی انحرافی مفسدان از جمله عواملی است که صد در صد در مقابل تربیت سیاسی و اجتماعی قرار گرفته و موجب ایجاد اختلال در نظام حکومتی و بخش مدیریتی جامعه خواهد شد. پس راه‌حل اساسی در مقابل این الگوی انحرافی این است که باید از این افراد و الگوهای آن‌ها اعراض کرده تا نقشه‌های آن‌ها ناکام بماند.

د) تقلید کورکورانه

یکی دیگر از آسیب‌های تربیت سیاسی - اجتماعی که در نتیجه عدم آگاهی از مسائل روز جامعه پدید می‌آید، تقلید بی‌چون‌وچرا از عملکردهای نادرست جوامع پیشین خود در زمینه‌های گوناگون به‌ویژه، در بعد سیاسی - اجتماعی و اداره کشور است. در واقع، بزرگ‌ترین تهدید تقلید کورکورانه از سیاست‌های غلط جوامع ناکارآمد بیگانه، وابستگی به جوامع بیگانه در همه ابعاد اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و به‌ویژه، سیاسی خواهد بود. با دقت در جنبه‌های گوناگون این آسیب، می‌توان راه علاج را در مطالعه دقیق و اصلاح گرانه رفتارهای پیشینیان دانست. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «وَإِذَا فَعَلُوا فَاجِرَةً قَالُوا وَجَدْنَا عَلَيْهَا آبَاءَنَا وَاللَّهُ أَمَرَنَا بِهَا قُلْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ أَتَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ» (اعراف: ۲۸) و هنگامی که کار زشتی انجام می‌دهند می‌گویند: پدران خود را بر این عمل یافتیم و خداوند ما را به آن دستور داده است! بگو: خداوند (هرگز) به کار زشت فرمان نمی‌دهد! آیا چیزی به خدا نسبت می‌دهید که نمی‌دانید؟

علامه طباطبایی در شرح و تبیین این آیه بیان می‌دارد در جمله «وَإِذَا فَعَلُوا فَاجِرَةً قَالُوا وَجَدْنَا عَلَيْهَا آبَاءَنَا وَاللَّهُ أَمَرَنَا بِهَا» از خطابی که در آیات قبل به بنی‌آدم شده بود رجوع نموده و خطاب را متوجه شخص رسول خدا (ص) نموده است تا بدین‌وسیله از همه خطاب‌های عمومی گذشته خطاب‌های خاصی برای امتش انتزاع نموده و بفهماند آنچه تاکنون به عموم بنی‌آدم خطاب می‌کردیم امت اسلام با عنایت بیشتری مورد توجه و مخاطب آن است (طباطبایی، ۱۳۹۰، ق، ۸: ۷۱) از این نوع خطاب درمی‌یابیم که دشمنان اسلام همواره در تلاش‌اند که

ابتدا یک جریان انحرافی را در سطح جامعه و در ابعاد گوناگون آن مثلاً در بعد سیاسی مطرح کنند و بر صحت آن اصرار ورزیده و دلیل درستی آن را هم تقلید کورکورانه از پیشینیان معرفی کرده تا بر روی افکار سیاسی جامعه تأثیرگذار باشند و اخلاق سیاسی را به انحراف بکشانند.

در کتاب‌های تفسیری اهل سنت نیز، به مذموم بودن تقلید بی‌چون و چرا از فرهنگ‌ها و آموزه‌های نادرست پیشینیان اشاره شده است:

«وَأَخْرَجَ ابْنُ أَبِي حَاتِمٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ كَعْبِ الْقُرْظِيِّ قَالَ قَالَ كَانِ الْمُشْرِكُونَ الرِّجَالُ يَطُوفُونَ بِالْبَيْتِ بِالنِّهَارِ عِرَاءَ وَالنِّسَاءَ بِاللَّيْلِ عِرَاءَ وَيَقُولُونَ اِنَّا وَجَدْنَا عَلِيمًا آبَاءَنَا وَاللَّهُ أَمَرَنَا بِهَا فَلَمَّا جَاءَ الْإِسْلَامَ وَأَخْلَقَهُ الْكَرِيمَةَ نَهَوْا عَنْ ذَلِكَ» (سیوطی، ۱۴۰۴ ق، ۳: ۷۷) قرظی گفته است: مشرکین قبل از اسلام به صورت عریان طواف می‌کردند؛ مردان در روز و زنان در شب و می‌گفتند این روش و سیره اجداد ماست و در واقع خداوند چنین دستوری به ما داده است؛ پس از آمدن اسلام و ظهور اخلاق کریمه آن از این کار نهی شدند. در واقع دشمن برای درست جلوه دادن یک عمل نادرست و اجرایی کردن آن در جامعه و نیز، نهادینه کردن آن در فرهنگ عمومی جامعه به سنت‌ها، عادات و آداب و رسوم غلط گذشتگان خود استناد کرده و بر آن پافشاری می‌کنند. در روایتی نیز محمد ابن منصور می‌گوید در مورد آیه شریفه «وَإِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً قَالُوا وَجَدْنَا عَلَيْهَا آبَاءَنَا وَاللَّهُ أَمَرَنَا بِهَا قُلْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ أَتَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ» (اعراف: ۲۸) از امام باقر (ع) سؤال پرسیدم. حضرت فرمودند: آیا کسی هست که گمان کند خداوند متعال به زنا و شرب خمر یا یکی از افعال حرام دستور می‌دهد؟ گفتم: خیر. حضرت پرسید: پس این گناهی که ادعا می‌کنند خدا به آن امر کرده چیست؟ گفتم: خدا و ولی الهی دانایتر هستند. حضرت فرمود: این پیشوایان فاسد و ظالمی هستند که ادعا می‌کنند خدا دستور داده که آن‌ها بر گروهی از مردم - که خودشان اجازه حکومت ندارند - حکومت کنند؛ خداوند این ادعا را رد کرده و تکذیب می‌نماید و از این عملکرد آن‌ها به فاحشه تعبیر می‌نماید (صفار، ۱۴۰۴ ق، ۱: ۳۴)؛ بنابراین، بعد سیاسی جامعه که از ارزش زیادی برخوردار بوده و قوام حکومت سیاسی جامعه بر آن استوار است، باید از هرگونه تقلید بدون تحقیق، تقلید ناآگاهانه و تقلید بی‌هدف مصون و محفوظ باشد تا از گزند خطرات داخلی و خارجی در امان بماند و این هم امکان‌پذیر نیست مگر با تقویت اخلاق سیاسی که در نتیجه تربیت سیاسی به دست می‌آید.

۴. راه‌حل‌های رفع انحرافات سیاسی - اجتماعی

الف) بصیرت آفرینی و صداقت در رفتار

تأثیر عمیق دعوت و تبلیغ از آنجا سرچشمه می‌گیرد که شنونده باور داشته باشد که مدیر یا مبلغ آنچه می‌گوید خودش نیز به آن ایمان دارد، مثلاً برنامه‌های مدیر اسراف‌کار در مورد صرفه‌جویی و مدیر بی‌نظم در مورد نظم و انضباط و... محکوم به شکست است، چون سخن که از دل برآید لاجرم بر دل نشیند یا به تعبیر دیگر زبان، ترجمان دل است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۲۴، ۶۶) و بهترین نشانه‌ی ایمان گوینده به سخنش این است که خود قبل از دیگران عمل کند. حضرت علی (ع) فرموده‌اند: «من مردم را به کاری نیکو وادار نمی‌کردم مگر آنکه خود پیش‌تر به آن‌ها عمل می‌کردم و مردم را از کارهای زشت باز نمی‌داشتم مگر آنکه خود پیش‌تر از دیگران از آن زشتی‌ها برکنار بودم» (دستی، ۱۳۸۶، نامه ۳۱).

از بدترین بلاهایی که ممکن است بر یک جامعه مسلط شود، بلای سلب اطمینان است و عامل اصلی آن جدایی گفتار از کردار است. مردمی که می‌گویند و عمل نمی‌کنند، هرگز نمی‌توانند به یکدیگر اعتماد کنند و در برابر مشکلات هماهنگ باشند و هرگز برادری و صمیمیت در میان آن‌ها حاکم نخواهد شد، هیچ ارزش و قیمتی نخواهند داشت و هیچ دشمنی از آن‌ها حساب نمی‌برد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ۲۴: ۶۶). فارابی می‌گوید:

ممکن است پای طیبی مصدوم یا دست وی شکسته باشد، ولی درعین حال بتواند پا یا دست مصدوم دیگری را درمان کند، اما طیب روح چنین نیست؛ یک عالم حوزوی یا دانشگاهی اگر جانش مریض باشد، هرگز توان تربیت دیگران را ندارد «خفته را خفته کی کند بیدار» (جوادی آملی، ۱۳۸۵: ۲۷۴). در بحث آسیب‌های تربیت اجتماعی این موضوع از اهمیت بیشتر برخوردار است، لذا جا دارد که بیشتر از آن سخن گفته شود. با مراجعه به آیات قرآن کریم و روایات معصومین (ع)، اهمیت مضاعف دعوت عملی را خواهیم یافت و از طرف دیگر ارزش قول بدون عمل و تأثیر آن نیز بیان شده است که در اینجا به برخی از آن‌ها استناد می‌کنیم.

آیات قرآن کریم:

۱) «أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَتَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ وَأَنْتُمْ تَتْلُونَ الْكِتَابَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ» (بقره: ۴۴)؛ آیا مردم را به نیکی فرمان می‌دهید و خود را فراموش می‌کنید باینکه شما

کتاب خدا را می‌خوانید آیا هیچ نمی‌اندیشید. هرچند این آیه بنی اسرائیل را مورد خطاب قرار داده است، ولی مفهوم آن گسترده است و شامل بقیه نیز می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ۱: ۲۱۴).

(۲) «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ» (صف: ۲)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید چرا چیزی می‌گویید که انجام نمی‌دهید.

ملت‌های جهان نیز همانند افراد، دارای حیات و مرگ هستند و وقتی لحظه و ساعت مرگ حتمی ملتی فرارسد، از صفحه‌ی روزگار کنار می‌رود و ملت و تمدنی دیگر جای آن را می‌گیرد (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷، ۷: ۸۲).

(۳) «كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ» (صف: ۳)؛ نزد خدا سخت ناپسند است که چیزی را بگویید و انجام ندهید.

سیره پیامبر گرامی اسلام و ائمه معصومین (ع) به گونه‌ای بود که بیشتر با عمل حسنه و رفتار شایسته و بایسته مردم را هدایت می‌کردند و در عمل اسوه و الگوی مردم بودند. در این مورد شاهد مثال کم نیست، اما به چند نمونه از آنان اشاره می‌شود: حضرت امام علی (ع) فرمودند: «أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي وَاللَّهِ مَا أَحْتُكُم عَلَى طَاعَةٍ إِلَّا وَأَسْبِقُكُمْ عَلَيْهَا وَلَا أَنهَاكُم عَنْ مَعْصِيَةٍ إِلَّا وَأَتْنَاهِي قَبْلَكُمْ عَنْهَا» (دستی، ۱۳۸۶، خطبه ۱۷۵) ای مردم به خدا سوگند شما را به هیچ طاعت تشویق نمی‌کنم مگر قبلاً خودم آن را انجام می‌دهم و از هیچ کار خلافی باز نمی‌دارم مگر اینکه پیش از شما از آن دوری جسته‌ام.

(۱) امام صادق (ع) می‌فرمایند: «كُونُوا دُعَاةَ النَّاسِ بِأَعْمَالِكُمْ وَلَا تَكُونُوا دُعَاةَ بِأَلْسِنَتِكُمْ»؛ مردم را با عمل خود به نیکی‌ها دعوت کنید نه با زبان خود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ۲۴: ۲۱۵).

(۲) باز هم حضرت علی (ع) فرمودند: «مَنْ نَصَبَ نَفْسَهُ لِلنَّاسِ إِمَامًا فَعَلَيْهِ أَنْ يَبْدَأَ بِتَعْلِيمِ نَفْسِهِ قَبْلَ تَعْلِيمِ غَيْرِهِ وَلِيَكُنْ تَأْدِيبُهُ بِسِيرَتِهِ قَبْلَ تَأْدِيبِهِ بِلِسَانِهِ وَمُعَلِّمُ نَفْسِهِ وَ مُؤَدِّبُهَا أَحَقُّ بِالْإِجْلَالِ مِنَ مُعَلِّمِ النَّاسِ وَ مُؤَدِّبِهِمْ» (دستی، ۱۳۸۶، حکمت ۷۰)؛ کسی که خویش را برای مردم امام قرار داده است، باید پیش از تعلیم غیرش به تعلیم نفس مبادرت ورزد و تأدیب با سیره و رفتارش پیش از تأدیب با زبانش باشد. معلم نفس و مؤدب خویشتن، شایسته‌تر اجلال و احترام است از آن کسی که صرف معلم و مؤدب مردم است.

(۳) پیامبر اکرم (ع): «مَثَلُ الَّذِي يُعَلِّمُ الْخَيْرَ وَلَا يَعْمَلُ بِهِ مَثَلُ السَّرَاجِ يُضِيءُ لِلنَّاسِ وَيُحْرِقُ نَفْسَهُ» (اخوان ۱۳۸۰، ۲: ۲۷۸) مَثَل کسانی که خیر را می‌دانند و عمل

نمی‌کنند، مثل چراغی است که برای مردم روشنایی می‌دهد و خودش را می‌سوزاند.

۴) نبی اکرم (ص): «لَا قَوْلَ إِلَّا بِعَمَلٍ» (همان: ۲۷۹): سخنی که پشتوانه عمل ندارد، سخن نیست.

۵) امام حسین (ع) در خصوص آیه «إِنَّمَا يُخَشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ» می‌فرماید: «يَعْنِي بِالْعُلَمَاءِ مَنْ صَدَّقَ فِعْلُهُ قَوْلَهُ، وَمَنْ لَمْ يَصِدِّقْ فِعْلُهُ قَوْلَهُ، فَلَيْسَ بِعَالِمٍ» (همان: ۲۷۷؛ کلینی، ۱۳۶۲، ۱: ۸۷) عالم کسی است که عملش گفتارش را تصدیق کند و کسی که عمل او گفتارش را تصدیق نکند، عالم نیست.

ب) ایجاد الفت با سخاوت و بخشندگی

سخاوت، جود، کرم، بخشش، انفاق و گشاده‌دستی، واژگانی هستند که بر بخشیدن مال به دیگران به‌ویژه نیازمندان دلالت دارند. سخاوت از فضایل اخلاقی است که موصوف بودن به آن، هم محبوبیت دنیوی می‌آورد و هم مغفرت الهی را در پی دارد و انسان با سخاوت نزد همگان بزرگ و عزیز است. بخشش باید از دوست‌داشتنی‌هایمان باشد، آنچه را که خود دوست نمی‌داریم و از گرفتنش اکراه داریم نباید به دیگران ببخشیم: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَنْفِقُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا كَسَبْتُمْ وَمِمَّا أَخْرَجْنَا لَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَلَا تَيَمَّمُوا الْخَبِيثَ مِنْهُ تُنْفِقُونَ وَلَسْتُمْ بِآخِذِيهِ إِلَّا أَنْ تُغْمِضُوا فِيهِ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ حَمِيدٌ» (بقره: ۲۶۷)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید از چیزهای پاکیزه‌ای که به دست آورده‌اید و از آنچه از زمین برایتان بیرون آورده‌ایم، انفاق کنید و در پی آن نباشید که از ناپاکش انفاق کنید، زیرا خودتان نیز آن را جز با اکراه نمی‌ستانید و بدانید که خداوند بی‌نیاز ستوده است.

در آیه‌ای دیگر نیز آمده است که رسیدن به نیکی، جز از راه بخشیدن آنچه دوست می‌داریم ممکن نیست: «لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْشَىٰ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ» (آل عمران: ۹۲)؛ هرگز به نیکی نخواهید رسید تا از آنچه دوست دارید انفاق کنید و خداوند به آنچه انفاق می‌کنید آگاه است.

سخاوت و بخشندگی، از جمله فضایل اخلاقی انسانی است که دوسویه به بخشنده و بخشیده شده کمک می‌کند و نیازهای روانی و عاطفی هر دو را این‌گونه پاسخ می‌دهد. البته احساسی که بخشنده در هنگام بخشش می‌کند بسیار بیشتر و قوی‌تر از احساسی است که بخشیده شده دارد. خداوند از مؤمنان می‌خواهد هنگامی که بخششی چون صدقه کردند، با منت و اذیت، این کار

خویش را تباه نکنند: (بقره: ۲۶۴)، چراکه منت گذاری موجب می شود تا ارزش کاری که کرده اند از میان برود. این رفتار همانند ریاکاری است که اعمال عبادی را از میان می برد و آن را بی ارزش و پوچ می کند. به هر حال، سخاوت و بخشندگی یک نیاز دوسویه است. اگر بخشیده شده، با سخاوت بخشنده به مال یا آسایشی می رسد، بخشنده نیز به کمال و آرامشی دست می یابد، پس نباید بخشندگی را تنها نیاز بخشیده شده دانست، بلکه به یک معنا، نیاز عاطفی و آرامشی بخشنده است.

ج) حفظ قدرت مبنی بر روحیه غیرت و شجاعت

صفت ترس در انسان حکایت از ضعف نفسانی او دارد: «شِدَّةُ الْجُبْنِ مِنْ عَجْزِ النَّفْسِ وَ ضَعْفِ الْيَقِينِ» (نوح: ۷)؛ شدت ترس در انسان، دلیل بر ناتوانی او و ضعف یقین اوست. مدیریت، با ضعف نفسانی سازگار نیست. همچنین در جای دیگر ترس را به عنوان آفت شمرده است: «الْجُبْنُ أَفَةٌ الْعَجْزُ سَخَافَةٌ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۳۳۳) ترس آفت است. انسان ترسو نه تنها لیاقت مدیریت را ندارد بلکه لیاقت مشورت کردن را نیز ندارد، حضرت علی (ع) به یکی از کارگزاران خویش نوشت: «أَتَشْرِكُنَّ فِي رَأْيِكَ جَبَانًا يُضَعِّفُكَ عَنِ الْأَمْرِ [الْأُمُورِ] وَ يُعْظِمُ عَلَيْكَ مَا لَيْسَ بِعَظِيمٍ» (همان: ۴۴۲) در جلسه مشورتی خود از رأی ترسو استفاده نکن و او را در رأی خود شریک نگردان، چنین کسی تو را در کار سست می کند و چیزی را که اهمیت ندارد (به دلیل جبن و ترس که دارد) بزرگ جلوه می دهد؛ نیز در همین زمینه حضرت علی (ع) در نامه ای که به مالک اشتر دارد که می نویسد: «لَا تُدْخِلَنَّ فِي مَشُورَتِكَ بَخِيلًا- يَخْذُلُكَ عَنِ الْفَضْلِ وَيَعِدُّكَ الْفَقْرَ- وَلَا جَبَانًا يُضَعِّفُ عَلَيْكَ الْأُمُورَ» (مجلسی، ۱۴۲۷ ق، ۷۴: ۲۴۵)؛ در جلسه مشورتی خود بخیل را راه مده... و ترسو را نیز در آن جمع وارد نکن، زیرا (چنین کسانی) تو را از اقدام در کارها سست گردانند.

د) خدمت رسانی به مردم با اجتناب از روحیه جاه طلبی

از جمله مهم ترین آثار مدیریت اجتماعی در جامعه، پرهیز از جاه طلبی است و با اجتناب از این خصیصه فردی که تعمیم آن در اجتماع صورت پذیر است، می توان به مردم خدمت کرد و جز با مدیریت صحیح دینی امکان پذیر نیست، حال باید دانست که جاه طلبی چیست؟

در جواب گفته می شود: هر کس به چیزی علاقه مند است، بعضی به مال

عشق می‌ورزند، بعضی دیگر به جمال، گروهی خواهان کمال‌اند، ولی جمعی طالب مقام‌اند و این گروه اخیر را جاه‌طلب می‌نامند، دوست دارند مردم همه به آن‌ها احترام بگذارند و به خانه آن‌ها رفت و آمد داشته باشند و به اصطلاح از دیگران یک سر و گردن برتر باشند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷، ۳: ۱۳).

جاه‌طلبی و خودپسندی و عجب قلب انسان‌ها را در کفر و شرک و منجلاب فساد نگه‌داشته و آن‌ها را از قبول توحید باز می‌دارد (داورپناه، ۱۳۷۵، ۱۲: ۱۹۳) در این خصوص در آیاتی از قرآن کریم چنین آمده است: تکبر و خودپسندی، بلائی است که مبتلا به آن، دانسته و از روی علم کافر و تارک عمل خواهد بود مثل ابلیس که به خدا و قیامت و پیامبران عقیده داشت ولی خودپسندی کار او را ساخت «أَبَىٰ وَاسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ» (بقره: ۳۴)؛ سرپیچید و تکبر ورزید و از کافران شد؛ و می‌گفت «أَنَا خَيْرٌ مِنْهُ خَلَقْتَنِي مِنْ نَارٍ وَخَلَقْتَهُ مِنْ طِينٍ» (اعراف: ۱۲)؛ من از او بهترم، مرا از آتش پدید آورده‌ای و او را از گل آفریدی.

آیه‌ای دیگر درباره فرعون و فرعونیان است که معجزات موسی را دیدند ولی «وَجَدُوا بِهَا وَاسْتَيْقَنَتْهَا أَنفُسُهُمْ ظُلْمًا وَعُلُوًّا» (نمل: ۱)؛ و آن‌ها را درحالی که باطنشان به الهی بودن آن معجزات یقین داشت، ستمکارانه و برتری‌جویانه انکار کردند. همین «علو» و جاه‌طلبی بود که نگذاشت از یقین خود پیروی کنند (قرشی بنابی، ۱۳۷۵، ۶: ۱۲۸).

در آیات بسیاری نیز خداوند متعال، انفاق مال به زیردستان و صرف در مصالح عمومی را که حسن ذاتی دارد یادآوری نموده و توجه توانگران را به آن‌ها جلب کرده که از اندیشه جاه‌طلبی و خودستائی پرهیزند و اموال خود را که در مصالح عمومی بذل نموده و در حقیقت برای خود ذخیره کرده آن‌ها را فاسد و بیهوده نکنند (حسینی همدانی، ۱۴۰۴ ق، ۳: ۲۳۴).

درواقع جاه‌طلبی رذیله سرچشمه بسیاری از مفاسد فردی و اجتماعی است، انسان را از خدا و خلق خدا دور می‌کند و او را برای وصول به مقصدش به دنبال گناهان خطرناکی می‌فرستد و از همه بدتر این که در بسیاری از اوقات با صفات نیک مانند احساس مسئولیت و تصمیم‌بر انجام‌وظیفه اجتماعی و لزوم مدیریت صالح در جامعه و امثال این‌ها اشتباه می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ۳: ۱۳).

در نتیجه با مدیریت دینی می‌توان انفاق مال به زیردستان را افزایش دهد و کسی که منصبی در جامعه را بر عهده دارد، خود را خدمتگزار مردم بداند و با پرهیز از جاه‌طلبی که بیشتر خودبینی را شامل می‌شود، به عموم مردم و زیردستان

جامعه توجه و خدمت کند. در این صورت به آیات قرآن عمل کرده است و فساد اجتماعی در این زمینه اخلاقی از بین خواهد رفت.

نتیجه گیری

دین مبین اسلام در تربیت سیاسی _ اجتماعی هدف را تربیت فرد قرار داده تا اینکه او بتواند به عنوان یک عضو سیاسی جامعه به ایفای نقش پردازد و در مسیر تحول سیاسی جامعه گام بردارد. یکی از تهدیدات این مسیر را می توان اسارت انسان به واسطه انحرافات گوناگون دانست که او را از تحقق این امر بازمی دارند حال آنکه از مهم ترین انحرافات که مانع تربیت سیاسی _ اجتماعی انسان در عصر حاضر است را می توان نوع رفتاری آن دانست که اهم مصادیق این نوع و راه های حل آن ها از منظر قرآن و روایات فریقین عبارت اند از: ۱. هواپرستی: این خواهش های نفسانی هستند که زمینه ساز آسیب های تربیتی بوده و موجبات هلاک فرد را فراهم ساخته و در سطوح صدارت می تواند موجب ترویج فساد و بی مسئولیتی حکومتی گردد؛ ۲. قساوت: این آسیب تربیتی در نتیجه غفلت از یاد خدا حاصل شده و به همین دلیل در تمامی بخش های زندگی انسان ریشه می دواند و از نتایج مخرب آن بی توجهی نسبت به محرومان و مستضعفان و نداشتن روحیه نوع دوستی چه در سطح داخلی و چه بین المللی است؛ ۳. تبعیت از فساد کنندگان: این گروه از عوامل اختلال در ابعاد مختلف جامعه اند، آن ها به واسطه نفوذ در بدنه سیاسی جامعه آن را از مسیر اصلی به انحراف می کشانند. ۴. تقلید کورکورانه: علت پیدایش این آسیب عدم آگاهی از مسائل روز جامعه است تقلید بی چون و چرا از عملکردهای جوامع پیشین و همچنین سیاست های غلط جوامع بیگانه و وابستگی به آن ها در ابعاد گوناگون را می توان از بزرگ ترین تهدیدات قلمداد کرد. از جمله راهکارهایی که قرآن کریم و روایت جهت رفع انحرافات رفتاری در حیطه تربیت سیاسی _ اجتماعی بیان کرده است: ۱. بصیرت آفرینی و صداقت رفتار؛ ۲. ایجاد الفت با سخاوت و بخشندگی؛ ۳. حفظ قدرت مبنی بر غیرت و شجاعت؛ ۴. خدمت رسانی به مردم با اجتناب از روحیه جاه طلبی است. با استفاده از این راهکارها می توان از بروز احتمالی انحرافات رفتاری در تربیت سیاسی _ اجتماعی جامعه جلوگیری نمود.

فهرست منابع

- ۱- *قرآن کریم.
- ۲- *نهج البلاغه، دشتی، محمد، (۱۳۸۶)، چاپ چهل و چهارم، قم، مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمؤمنین علیه السلام.
- ۳- ابن اثیر، علی ابن محمد، (۱۴۰۹ ق)، اسد الغابه فی معرفة الصحابه، بیروت، دارالفکر.
- ۴- ابن بابویه قمی، ابوجعفر محمد بن علی بن حسین معروف به «شیخ صدوق»، (۱۴۱۳ ق)، من لایحضره الفقیه، قم، انتشارات جامعه مدرسین.
- ۵- ابن شعبه حرانی، ابو محمد حسن بن علی بن حسین، (۱۴۰۴ ق)، تحف العقول، قم، انتشارات جامعه مدرسین.
- ۶- ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۰۴ ق)، لسان العرب، بیروت، دار الفکر و النشر والتوزیع.
- ۷- احمد بن فارس، ابوالحسن، (۱۴۰۴ ق)، معجم مقاییس اللغة، قم، مکتبه الاعلام الاسلامی.
- ۸- افتخاری، اصغر، مهجور، حمید، (۱۳۹۵)، الگوی تربیت سیاسی از دیدگاه شهید مطهری، رهیافت انقلاب اسلامی، شماره ۳۶.
- ۹- الهی زاده، محمد، (۱۳۹۵)، تربیت سیاسی اجتماعی و حیانی، مشهد، آستان قدس رضوی
- ۱۰- الیاس، جان، (۱۳۸۵)، فلسفه تعلیم و تربیت، مترجم: ضرابی، عبدالرضا، قم، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- ۱۱- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، (۱۳۶۶)، غررالحکم و درر الکلم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- ۱۲- جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۸۵)، مبادی اخلاق در قرآن، قم، مرکز نشر اسراء.
- ۱۳- حکیمی، محمد، محمد رضا، علی، (۱۳۸۰)، الحیاة، ترجمه احمد آرام، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- ۱۴- دانشگر، سید حسین، (۱۳۹۳)، تربیت سیاسی از دیدگاه اسلام، همایش علوم تربیتی و روانشناسی آسیب‌های اجتماعی و فرهنگی ایران.
- ۱۵- دهخدا، علی‌اکبر، (۱۳۷۲)، لغت‌نامه دهخدا، تهران، مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.
- ۱۶- دهقانی فیروزآبادی، مصطفی، رضایی اصفهانی، محمد علی، (۱۳۹۸)، «بررسی موانع تربیت سیاسی از بعد انحراف‌های اعتقادی و راه‌حل‌های آن در قرآن و حدیث»، دوفصلنامه آموزه‌های تربیتی در قرآن و حدیث، (۱۳۹۸) شماره ۲، (پیاپی ۱۰).
- ۱۷- رضایی اصفهانی، محمدعلی، (۱۳۷۸)، تفسیر قرآن مهر، قم، پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآنی.
- ۱۸- رهنمایی، احمد، (۱۳۸۸)، فلسفه تعلیم و تربیت، قم، انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- ۱۹- زمخشری، محمود بن عمر، (۱۹۷۹ ق)، اساس البلاغه، بیروت، دارالصادر.
- ۲۰- سیوطی، عبدالرحمن بن ابی‌بکر، (۱۴۰۴ ق)، الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، قم، کتابخانه

- عمومی حضرت آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی.
- ۲۱- سلطانی رنانی، سید مهدی، (۱۳۹۲)، «تربیت اجتماعی و پایه‌های اخلاقی آن در قرآن از دیدگاه علامه طباطبایی»، فصلنامه اخلاق، ۱۳۹۲ شماره ۱۲ (پیاپی ۳۴).
- ۲۲- صفار، محمد بن حسن، (۱۴۰۴ ق)، بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد (ص)، قم، بی‌نا.
- ۲۳- طباطبایی، محمدحسین، (۱۳۹۰ ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، لبنان - بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
- ۲۴- طبرسی، فضل بن الحسن، (۱۴۰۸ ق)، مجمع‌البیان لعلوم القرآن، بیروت، دارالمعرفه.
- ۲۵- طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۲ ش)، مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن، تهران، انتشارات ناصرخسرو.
- ۲۶- طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، (۱۴۱۲ ق)، جامع‌البیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار المعرفة.
- ۲۷- علیوردی‌نیا اکبر، یونسی بروجنی عرفان، (۱۳۹۲)، «تحلیل جامعه‌شناختی رفتارهای انحرافی دانشجویان: آزمون تجربی دیدگاه نظری چندگانه»، مجله تحلیل اجتماعی، شماره ۴.
- ۲۸- عنایت، حمید، مصدق، حمید، (۱۳۹۰)، بنیاد فلسفه سیاسی، تهران، نشر زمستان.
- ۲۹- فاطمی راد، محمد حسن، (۱۳۹۵) تربیت سیاسی، تهران، انتشارات و انیا.
- ۳۰- فراهیدی، خلیل بن احمد، (۱۴۱۰ ق)، العین، قم، انتشارات هجرت.
- ۳۱- فیومی، احمد بن محمد بن علی، (۱۴۰۵ ق)، المصباح المنیر، قم، مؤسسه دار الهجره.
- ۳۲- قائمی امیری، علی، (۱۳۹۰ ش)، سازندگی و تربیت دختران، تهران، نشر انجمن اولیاء و مربیان.
- ۳۳- کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۳۶۵)، الکافی، تهران، دارالکتب الإسلامیه.
- ۳۴- مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی بن مقصود علی، معروف به علامه مجلسی و مجلسی ثانی، (۱۴۰۴ ق)، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، بیروت - لبنان، مؤسسه الوفاء.
- ۳۵- مصطفوی، حسن، (۱۳۶۰)، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- ۳۶- مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۴)، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- ۳۷- موسوی، سید مهدی، (۱۳۸۷)، تربیت سیاسی در پرتو انتظار، مشرق موعود، شماره ۶.
- ۳۸- وینفری، توماس آل، (۱۳۸۸)، نظریه‌های جرم‌شناسی، ترجمه سید رضا افتخاری، گناباد، دانشگاه آزاد اسلامی.

REFERENCES

- * The Holy Quran.
- * Nahj al-Balagha, Dashti, Muhammad, (1386), 44th edition, Qom, Amir al-Mu'minin (A.S) Cultural Research Institute.
- 39- 1. Ibn Athir, Ali Ibn Muhammad, (1409 A.H.), Usd al-Ghabah fi Marifah al-Sahabah, Beirut, Dar al-Fikr.
- 40- 2. Ibn Babawayh al-Qommi, Abu Ja'far Muhammad bin Ali bin Hossein known as "Sheikh Saduq", (1413 AH), Man La Yahduruhu al-Faqih, Qom, Jamia al-Mudarrisin Publications.
- 41- 3. Ibn Shuba Harrani, Abu Muhammad Hasan bin Ali bin Hossein, (1404 AH), Tu-haf al-Uqool, Qom, Jamia al-Mudarrisin Publications
- 42- 4. Ibn Manzoor, Muhammad Ibn Mukarram, (1404 AH), Lisan al-Arab, Beirut, Dar al-Fikr wa al-Nashr wa al-Tawzi'.
- 43- 5. Ahmad bin Faris, Abul Hasan, (1404 AH), Mu'jam Maqayis al-Lughah, Qom, Maktab al-l'lam al-Islami.
- 44- 6. Eftekhari, Asghar, Mehjoor, Hamid, (1395), Model of Political Education from the Point of View of Martyr Motahari, Islamic Revolution Approach, No. 36.
- 45- 7. Elahizadeh, Mohammad, (1395), Revelatory Social Political Education, Mash-had, Astan Quds Razavi.
- 46- 8. Elias, John, (1385), Philosophy of Education, translator: Zarrabi, Abdul Reza, Qom, Imam Khomeini (R.A) Educational and Research Institute.
- 47- 9. Tamimi Amidi, Abdul Wahid bin Mohammad, (1366), Gharar al-Hikam wa Durar al-Kalim, Tehran, Tehran University Press.
- 48- 10. Javadi Amoli, Abdullah, (1385), Principles of Ethics in the Qur'an, Qom, Isra Publishing Center.
- 49- 11. Hakimi, Mohammad, Mohammad Reza, Ali, (1380), Al-Hayat, translated by Ah-mad Aram, Tehran, Islamic Cultur Publishing House.
- 50- 12. Daneshgar, Seyyed Hossein, (1393), Political Education from the Perspective of Islam, Conference on Educational Sciences and Psychology of Social and Cultural Damages in Iran.
- 51- 13. Dekhoda, Ali Akbar, (1372), Dekhoda Dictionary, Tehran, University of Teh-ran Printing and Publishing Institute.
- 52- 14. Dehghani Firouzabadi, Mustafa, Rezaei Esfahani, Mohammad Ali, (1398), "In-vestigation of obstacles to political education in terms of religious deviations and their solutions in the Qur'an and Hadith", two quarterly educational teachings in the Qur'an and Hadith, (1398) No. 2, (consecutive 10).
- 53- 15. Rezaei Esfahani, Mohammad Ali, (1378), Tafsir Qur'an Mehr, Qom, Research-es on Tafsir and Qur'anic Sciences.
- 54- 16. Rahnamaei, Ahmad, (1388), Philosophy of Education, Qom, Publications of Imam Khomeini (R.A.) Educational and Research Institute.
- 55- 17. Zamakhshari, Mahmoud bin Omar, (1979 AH), Asas al-Balaghah, Beirut, Dar al-Sadr.

- 56- 18. Suyuoti, Abd al-Rahman bin Abi Bakr, (1404 A.H.), Al-Dur al-Manthur Fi al-Tafsir bi al-Ma'thur, Qom, Public Library of Ayatollah Mar'ashi Najafi.
- 57- 19. Soltani Rannani, Seyyed Mahdi, (1392), "Social education and its moral foundations in the Qur'an from the perspective of Allameh Tabatabai", Ethic Quarterly, 1392, No. 12 (consecutive 34).
- 58- 20. Saffar, Muhammad bin Hasan, (1404 AH), Basair al-Darajat fi Fadail al-Muhammad (PBUH), Qom, (s.n).
- 59- 21. Tabatabaei, Muhammad Hussein, (1390 AH), Al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an, Lebanon - Beirut, Al-A'jami Publishing House.
- 60- 22. Tabarsi, Fazl bin Al-Hasan, (1408 AH), Majma' al Bayan li Uloom al-Qur'an, Beirut, Dar al-Marifah.
- 61- 23. Tabarsi, Fazl bin Hasan, (1372 AD), Majma' al-Bayan Fi Tafsir al-Qur'an, Tehran, Naser Khosro Publications.
- 62- 24. Tabari, Abu Ja'afar Muhammad bin Jarir, (1412 AH), Al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an, Beirut, Dar al-Marifah.
- 63- 25. Alivardinia, Akbar, Yunesi Boroujeni, Erfan, (1392), "Sociological analysis of students' deviant behaviors: an experimental test of multiple theoretical perspectives", Social Analysis Magazine, No. 4.
- 64- 26. Enayat, Hamid, Mossadegh, Hamid, (1390), Foundation of Political Philosophy, Tehran, Winter Publishing.
- 65- 27. Fatemi Rad, Mohammad Hasan, (1395) Political Education, Tehran, Vania Publications.
- 66- 28. Farahidi, Khalil bin Ahmad, (1410 AH), Al-Ayn, Qom, Hijrat Publications.
- 67- 29. Fayyumi, Ahmad bin Muhammad bin Ali, (1405 AH), al-Misbah al-Munir, Qom, institute of Dar al-Hijrah.
- 68- 30. Qaemi Amiri, Ali, (1390), Development and education of girls, Tehran, published by the Association of Parents and Teachers.
- 69- 31. Kulaini, Muhammad bin Yaqoub, (1365), Al-Kafi, Tehran, Dar al-Kutub al-Islamiyyah.
- 70- 32. Majlisi, Muhammad Baqir bin Muhammad Taqi bin Maqsoud Ali, known as "Al-lameh Majlisi" and "Majlisi Thani", (1404 AH), Bihar al-Anwar al-Jamia Li Durar Akhbar al-Aimmah al-At'har, Beirut-Lebanon, Al-Wafa Institute.
- 71- 33. Mostafavi, Hasan, (1360), Al-Tahqiq fi Kalimat al-Qur'an al-Karim, Tehran, Book Translation and Publishing Company.
- 72- 34. Makarem Shirazi, Naser, (1374), Tafsir al-Nomoonah, Tehran, Dar al-Kutub al-Islamiyah.
- 73- 35. Mousavi, Seyyed Mehdi, (1387), Political Education in the Light of Intizar, Mashreq Mowud, No. 6.
- 74- 36. Winfrey, Thomas Al, (1388), Theories of Criminology, translated by Seyyed Reza Eftekhari, Gonabad, Islamic Azad University.